

◀ مبحث ششم / دعاوی طاری (مواد ۱۳۰ تا ۱۴۳ ق.آ.د.م)

● اقسام دعاوی طاری: دعاوی طاری بر چهار قسم است:

۱. ورود ثالث: دعاوی شخص ثالث علیه طرفین دعوی یا یکی از ایشان؛
۲. جلب ثالث: دعاوی هر یک از متداعیین یا هر دوی ایشان علیه ثالث؛
۳. دعاوی متقابل: دعاوی خوانده علیه خواهان؛
۴. دعاوی اضافی: دعاوی مجدد خواهان علیه خوانده.

● ورود ثالث: به معنای اقامه دعوی از جانب شخصی خارج از دادرسی، علیه تمام یا برخی از اصحاب دعاوی اصلی است.

● اقسام ورود ثالث: اقسام آن عبارت‌اند از: (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م)

۱. اصلی (استقلالی): شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل است؛ مانند آنکه دعوایی در خصوص مالکیت ملکی بین دو شخص برقرار است و شخص ثالثی که خود را مالک آن ملک می‌داند، به منظور اثبات مالکیت خود، اقدام به ورود کند.
۲. تبعی (حمایتی یا تقویتی): شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل نیست؛ بلکه خود را در محق شدن یکی از اصحاب دعاوی اصلی ذی‌نفع می‌داند. مانند آنکه دعوایی در خصوص مالکیت ملکی بین دو شخص برقرار است. سابقاً شخص ثالثی حق ارتفاق آن ملک را از یکی از ایشان خریده است. این شخص ثالث برای تقویت موضع آن طرفی که حق ارتفاق را به او واگذار کرده، وارد دعوی می‌شود؛ چرا که شکست آن طرف، به بطلان حق ارتفاق شخص ثالث منتهی می‌شود.

● **تفاوت نفع در ورود ثالث اصلی و تبعی:** در ورود ثالث اصلی، باید تمام شرایط یک دعوای تمام‌عیار رعایت شود. از همین رو، نفع او در دعوای مطروحه نیز، نفعی مستقیم است؛ اما در ورود ثالث تبعی، نفع شخص ثالث، نفعی غیرمستقیم و محتمل است.

◀ **سؤال:** آیا لازم است که وارد ثالث در دادخواست ورود ثالث، نوع ورود ثالث خود (اصلی یا تبعی) را درج کند؟

○ **جواب:** خیر، قانوناً چنین الزامی وجود ندارد.^۱

● **تشریفات دعوای ورود ثالث:** طرح این دعوی، دارای تشریفات زیر است:

۱. نیاز به تقدیم دادخواست دارد. (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م)
۲. دادخواست ورود ثالث و منضمات آن باید به تعداد خواهان‌ها و خواندگان دعوای اصلی به‌علاوه یک نسخه باشد. (ماده ۱۳۱ ق.آ.د.م)
۳. تقدیم این دادخواست، محدود به زمان خاصی نیست و تا قبل از ختم دادرسی امکان‌پذیر است. (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م)
۴. به شخص ثالثی که اقدام به طرح دعوای ورود ثالث کرده، «وارد ثالث» گوییم.

● **خواندگان دعوای ورود ثالث**

۱. **ورود ثالث اصلی:** باید به‌طرفیت تمام اصحاب دعوای اصلی (خواهان‌ها و خواندگان دعوای اصلی) طرح شود؛ چرا که وارد ثالث برای خود، مستقلاً حق قائل است.
۲. **ورود ثالث تبعی:** از آنجا که ورود ثالث تبعی برای تقویت موضع یکی از اصحاب دعوی است، باید به‌طرفیت طرف دیگر طرح شود؛ از همین رو، لازم نیست که نام شخصی که وارد ثالث برای تقویت موضع او وارد شده، به‌عنوان خوانده درج شود.^۲

۱. بعضی از حقوق‌دانان خلاف آن را بیان کرده و عدم درج نوع ورود ثالث را از موارد صدور اخطار رفع نقص دانسته‌اند. ر.ک: مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۲، مطلب ش ۵۹۶.

۲. برخی از ماده ۱۳۱ ق.آ.د.م که تعداد نسخ دادخواست ورود ثالث را به تعداد اصحاب دعوی دانسته است، نتیجه گرفته‌اند که حتی در ورود ثالث تبعی، باید تمام اصحاب دعوای اصلی به‌عنوان خوانده دعوی واقع شوند. ر.ک: مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۲، مطلب ش ۵۹۸؛ ولی نمی‌توان از ماده مزبور چنین نتیجه‌ای گرفت. لزوم تعدد نسخ دادخواست به تعداد تمام اصحاب دعوای اصلی برای اطلاع‌رسانی به ایشان و آگاه‌کردن آنها از دعوای ورود ثالث است.

● **جایگاه وارد ثالث در دعوای مطروحه:** شخص ثالث بعد از ورود ثالث نسبت به دعوای مطروحه، خواهان محسوب شده و تمام آثار خواهان نسبت به او جاری است. برای مثال:

۱. اگر او وارد ثالث اصلی باشد، می‌توان در برابر او اقدام به طرح دعوای متقابل کرد. در برابر وارد ثالث تبعی، دعوای متقابل قابل طرح نیست؛ زیرا وارد ثالث تبعی، برای خود مستقلاً حقی قائل نیست که بتوان علیه او دادخواست متقابل تقدیم کرد.

۲. می‌توان نسبت به او انواع ایرادات را بیان کرد.

۳. با توجه به آنکه در شمار اصحاب دعوی داخل می‌شود، می‌تواند نسبت به رأی صادره، درخواست تجدیدنظر، فرجام یا اعاده دادرسی کند.

۴. با توجه به بند فوق، نمی‌تواند به رأی صادره در دعوای اصلی، اعتراض ثالث کند.

● **مراحل امکان ورود ثالث:** ورود ثالث در مراحل زیر امکان‌پذیر است: (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م)

۱. در مراحل بدوی، واخواهی و تجدیدنظر؛

۲. در فرجام، زمانی که پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی است، ورود ثالث امکان‌پذیر نیست؛ زیرا دیوان عالی، صرفاً رسیدگی شکلی می‌کند؛ اما اگر دیوان، رأی را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه بدوی یا تجدیدنظر بفرستد، در آن مرجع، ورود ثالث امکان‌پذیر است.

۳. در اعاده دادرسی و اعتراض ثالث، ورود ثالث راه ندارد. (ماده ۴۴۱ ق.آ.د.م)

◀ **سؤال:** اگر شخص ثالث، در جریان رسیدگی بدوی از دعوای مطروحه مطلع بوده و امکان ورود ثالث داشته باشد، اما چنین اقدامی صورت ندهد؛ آیا می‌تواند در مرحله تجدیدنظر اقدام به ورود ثالث کند؟

◎ **جواب:** بله؛ اختیار شخص برای ورود ثالث در مراحل بدوی و تجدیدنظر مطلق است و قانون آن را محدود به قید خاصی نکرده است. شخص ثالث مختار است در هر یک از مراحل دادرسی که بخواهد، اقدام به ورود ثالث کند.

◀ **سؤال:** اگر رأی بدوی صادر و از آن تجدیدنظرخواهی شده باشد، ولی پرونده تجدیدنظر

در مقطع رفع نقص یا تبادل لوايح باشد و هنوز به دادگاه تجدیدنظر ارسال نشده باشد؛ آیا ورود ثالث امکان‌پذیر است؟

● **جواب:** خیر؛ زیرا رسیدگی در مرحله بدوی خاتمه یافته و در نتیجه ورود ثالث در مرحله بدوی ممکن نیست و از طرف دیگر، رسیدگی هنوز در مرحله تجدیدنظر آغاز نشده است؛ بنابراین متقاضی ورود ثالث باید صبر کند تا پرونده در دادگاه تجدیدنظر ثبت شود و سپس اقدام به ورود ثالث کند.

● **مقطع امکان ورود ثالث:** در تمام مراحل دادرسی، ورود ثالث تا قبل از اعلام ختم دادرسی، ممکن است. در دیوان عدالت اداری نیز ورود ثالث تا قبل از ختم دادرسی امکان‌پذیر است. (ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م)

◀ **سؤال:** اگر متقاضی ورود ثالث، دعوای خود را بعد از مهلت مقرر (بعد از ختم دادرسی) طرح کند، تکلیف چیست؟ آیا دعوای او رد می‌شود؟

● **جواب:** خیر؛ در این صورت به دعوای مزبور، به‌عنوان یک دعوای مستقل و نه به‌عنوان یک دعوای طاری، رسیدگی می‌شود. البته اگر این دعوای ورود ثالث، یک ورود ثالث تبعی باشد، به دلیل آنکه نفع متقاضی ورود ثالث تبعی، یک نفع مستقل و مستقیم نیست، به‌صورت جداگانه قابل رسیدگی نیست و در نتیجه این دعوای رد می‌شود.

● **رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و ورود ثالث:** در خصوص رسیدگی توأمان به این دو دعوای، باید توجه داشت که:

۱. در صورتی این دو دعوای، مورد رسیدگی توأمان قرار می‌گیرد که رسیدگی به دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ورود ثالث باشد؛ یعنی نتیجه دعوای ورود ثالث در دعوای اصلی مؤثر باشد. در غیر این صورت دادگاه دو دعوای را از هم جدا کرده و در صورت صلاحیت، جداگانه به آنها رسیدگی می‌کند. (ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م)

۲. اگر دادگاه احراز کند که ورود ثالث به‌منظور تبانی یا تأخیر در رسیدگی است، آن را از دعوای اصلی جدا کرده و در صورت صلاحیت به‌صورت جداگانه رسیدگی می‌کند. (ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م)

۳. پس از وصول دادخواست ورود ثالث، وقت رسیدگی به دعوای اصلی، به وارد ثالث نیز ابلاغ می‌شود. از طرف دیگر، دادخواست ورود ثالث و ضامنه آن، به همه اطراف دعوای اصلی ابلاغ می‌شود تا در جلسه دادرسی دعوای اصلی، دعوای ورود ثالث نیز مورد رسیدگی قرار گیرد. (ماده ۱۳۲ ق.آ.د.م)

۴. پس از ابلاغ وقت دادرسی دعوای اصلی به وارد ثالث و ابلاغ دادخواست ورود ثالث به اصحاب دعوی؛ اگر از زمان ابلاغ دادخواست ورود ثالث تا جلسه دادرسی، مهلت کافی، یعنی حداقل پنج روز، نباشد و اصحاب دعوی نیز به دلیل عدم رعایت حداقل فاصله زمانی، حاضر به دفاع نباشند، وقت دادرسی دیگری تعیین و ابلاغ می شود. (ماده ۱۳۲ ق.آ.د.م.)

◀ **سؤال:** شخصی نسبت به پرونده ای، اقدام به ورود ثالث می کند؛ اما دادگاه نسبت به دعوای اصلی، قراری مانند قرار ردّ دعوی صادر می کند. در این حالت تکلیف ورود ثالث چیست؟

● **جواب:** حیات دعوای طاری به حیات دعوای اصلی وابسته نیست. با توجه به صدور قرار ردّ دعوی نسبت به دعوای اصلی، دادگاه به دعوای ورود ثالث، به نحو مستقل رسیدگی می کند؛ مگر آنکه ورود ثالث، یک ورود ثالث تبعی باشد و قابلیت رسیدگی مستقل را نداشته باشد که در این صورت نسبت به آن نیز قرار ردّ دعوی صادر می شود. این قاعده در جلب ثالث و دعوای متقابل نیز جاری است.

◀ **سؤال:** اگر شخصی، دعوای ورود ثالث طرح کند، اما دادگاه، دعوای ورود ثالث مطروحه را، یک دعوای طاری به معنای واقعی کلمه، تشخیص ندهد (نه ارتباطی با دعوای اصلی دارد و نه با دعوای اصلی از یک منشأ است)؛ در این صورت تکلیف چیست؟

● **جواب:** در این صورت دادگاه آن را از دعوای اصلی جدا کرده و در صورت برخورداری از صلاحیت ذاتی و محلی، جداگانه رسیدگی می کند؛ ولی اگر ورود ثالث مزبور، ورود ثالث تبعی باشد، با توجه به اینکه قابلیت رسیدگی جداگانه ندارد، نسبت به آن قرار ردّ دعوی صادر می شود.

◀ **سؤال:** اگر شخصی جهت ایجاد اطاله در فرایند دادرسی، دادخواست ورود ثالث تقدیم کند، تکلیف دادگاه در این خصوص چیست؟

● **جواب:** در این حالت طبق ماده ۱۳۳ ق.آ.د.م دادگاه باید دو دعوی را از هم جدا کرده و به هر یک جداگانه رسیدگی کند؛ اما اگر این ورود ثالث، یک ورود ثالث تبعی باشد، از آنجا که در دعوای ورود ثالث تبعی، نفع شخص ثالث، نفعی غیرمستقیم است، بدون دعوای اصلی قابلیت رسیدگی به نحو مستقل و جداگانه را ندارد. از این رو به دلیل ایراد عدم ذی نفعی خواهان (بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م)، دادگاه قرار ردّ دعوی را صادر می کند.

● **ردّ دعوای ورود ثالث در مرحله بدوی:** اگر در مرحله بدوی، دعوای ورود ثالث با یکی از قرارهای قاطع دعوی، مانند قرار ردّ دعوی یا ردّ دادخواست مواجه شود، تکلیف چیست؟ در این حالت شخص ثالث می تواند اقدامات زیر را صورت دهد:

۱. ورود مجدد در همان مرحله بدوی: شخص ثالث می‌تواند ضمن برطرف کردن ایرادی که موجب صدور قرار مزبور شده، مجدداً دادخواست ورود ثالث را به همان دادگاه بدوی تقدیم کند.

۲. ورود در مرحله تجدیدنظر خواهی به عنوان ورود ثالث: یعنی آنکه در مرحله تجدیدنظر، مجدداً دادخواست ورود ثالث بدهد. (ماده ۱۳۴ ق.آ.د.م)

۳. تجدیدنظر خواهی از قرار صادره: شخص ثالث می‌تواند از قرار صادره، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اقدام به تجدیدنظر خواهی کند. اگر دادگاه تجدیدنظر قرار صادره را نقض کند، بدین نحو عمل می‌شود:

- اگر دعوای اصلی همچنان در مرحله بدوی تحت رسیدگی باشد: دادگاه تجدیدنظر پرونده ورود ثالث را برای رسیدگی ماهوی همراه با دعوای اصلی، به دادگاه بدوی می‌فرستد.
- اگر رسیدگی به پرونده اصلی به دادگاه تجدیدنظر رسیده باشد؛ یعنی در دعوای اصلی هم رأی صادر شده و هم اکنون از آن رأی تجدیدنظر خواهی شده باشد: دادگاه تجدیدنظر، همراه با رسیدگی به دعوای اصلی، به دعوای ورود ثالث نیز رسیدگی خواهد کرد.
- اگر دعوای اصلی مختومه شده باشد و در هیچ یک از مراحل بدوی و تجدیدنظر، تحت رسیدگی نباشد: دعوای ورود ثالث به دادگاه بدوی ارسال می‌شود تا به عنوان یک دعوای مستقل، رسیدگی شود.

● **جلب شخص ثالث:** اقامه دعوی از جانب یکی از اصحاب دعوی، علیه شخص ثالث را «جلب ثالث» گوئیم. برای مثال، فرض کنید که شخصی با سند عادی ملکی را به دیگری بفروشد و خریدار، علیه فروشنده، دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی بدهد؛ ولی معلوم شود که سند ملک به نام فروشنده نیست و فروشنده نیز خود، ملک را با مبایعه نامه عادی خریداری کرده است. در این حالت خواهان ممکن است نسبت به شخصی که سند به نام اوست، اقدام به جلب ثالث کند؛ زیرا نهایتاً سند رسمی باید توسط او تنظیم شود.

● **تشریفات دعوای جلب ثالث:** طرح این دعوی دارای تشریفات زیر است:

۱. نیاز به تقدیم دادخواست دارد. (ماده ۱۳۵ ق.آ.د.م)
۲. دادخواست جلب ثالث و منضمات آن باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی به علاوه یک نسخه باشد. (ماده ۱۳۷ ق.آ.د.م)

۳. تقدیم این دادخواست، برخلاف ورود ثالث، محدود به زمان خاصی است. متقاضی جلب ثالث باید نهایتاً تا پایان جلسهٔ اول دادرسی، جهات و دلایل جلب را بیان کند و سپس ظرف سه روز بعد از جلسهٔ اول قابل تقدیم است. (مادهٔ ۱۳۵ ق.آ.د.م)

۴. یکی از طرفین دعوای اصلی، متقاضی جلب ثالث و یک شخص ثالث، خواندهٔ جلب ثالث است.

۵. متقاضی جلب ثالث را «جالب ثالث» و به شخص ثالثی که به دادرسی جلب شده، «مجلوب ثالث» گوییم.

۶. در دعوای جلب ثالث لازم نیست که اصحاب دعوای اصلی، به عنوان خواندگان جلب ثالث درج شوند.^۱

◀ سؤال: آیا لازم است که نام اصحاب دعوای اصلی نیز، در شمار خواندگان دعوای جلب ثالث درج شود؟

● **جواب:** خیر؛ صرفاً نام مجلوب ثالث، به عنوان خواندهٔ دعوای جلب ثالث درج می شود. البته باید نسخ دادخواست، علاوه بر مجلوب ثالث، به تعداد اصحاب دعوای اصلی نیز باشد تا دادخواست جلب ثالث به ایشان نیز ابلاغ شود، زیرا باید ایشان نیز از جلب ثالث و تأثیر آن در دادرسی مطلع شوند.

● **جایگاه مجلوب ثالث در دعوای مطروحه:** شخص ثالث بعد از جلب، نسبت به دعوای مطروحه، خوانده محسوب شده و تمام آثار خوانده نسبت به او جاری است. (مادهٔ ۱۳۹ ق.آ.د.م) برای مثال:

۱. می تواند دعوای متقابل طرح کند.

۲. می تواند اقدام به اظهار انواع ایرادات کند.

۳. می تواند نسبت به بهای خواسته اعتراض کند.

۴. می تواند نسبت به رأی صادره، درخواست تجدیدنظر، فرجام یا اعادهٔ دادرسی کند یا در صورت غیابی بودن رأی صادره علیه او، نسبت به آن واخواهی کند.

۵. با توجه به بند فوق، نمی تواند به رأی صادره در دعوای اصلی، اعتراض ثالث کند.

۱. در تأیید این نظر ر.ک: شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دورهٔ پیشرفته)، ج ۳، مطلب ش ۷۳. البته بعضی از حقوق دانان از مادهٔ ۱۳۷ ق.آ.د.م نتیجه گرفته اند که اگر خواهان دعوای اصلی بخواهد جلب ثالث نماید، باید خواندهٔ دعوای اصلی و مجلوب ثالث را به عنوان خواندگان دعوای جلب ثالث قرار دهد و بالعکس. ر.ک: مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۲، مطلب ش ۶۲۸؛ اما این تلقی به وضوح برخلاف مادهٔ ۱۷ ق.آ.د.م است.

● **مراحل امکان جلب ثالث:** جلب ثالث در مراحل زیر امکان پذیر است: (مادّه ۱۳۵ ق.آ.د.م)

۱. در مراحل بدوی، واخواهی و تجدیدنظر؛
۲. در مرحله فرجام، جلب ثالث به هیچ ترتیب راه ندارد؛ چه در خود دیوان عالی کشور و چه در دادگاه بدوی یا تجدیدنظری که پس از نقض رأی در دیوان عالی، پرونده برای رسیدگی مجدد به آنجا ارسال می شود.
۳. در اعاده دادرسی و اعتراض ثالث، جلب شخص ثالث راه ندارد. (مادّه ۴۴۱ ق.آ.د.م)

◀ **سؤال:** اگر موجبات جلب ثالث در مرحله بدوی فراهم باشد، اما هیچ یک از طرفین، جلب ثالث نکنند؛ ولی یکی از ایشان در مرحله تجدیدنظر اقدام به جلب ثالث کند؛ آیا این جلب ثالث، پذیرفته می شود یا خیر؟

● **جواب:** بله؛ اختیار اصحاب دعوی برای جلب ثالث در مراحل بدوی و تجدیدنظر، مطلق است و قانون آن را محدود به قید خاصی نکرده است. هر یک از اصحاب دعوی اصلی مختار است در هر یک از مراحل دادرسی جلب ثالث کند.

● **مقاطع امکان جلب ثالث:** سؤال آن است که جلب ثالث تا چه مقطعی از دادرسی امکان پذیر است. توجه داشته باشید:

۱. **در مراحل بدوی و تجدیدنظر:** هر یک از اصحاب دعوی که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند، می تواند نهایتاً تا پایان جلسه اول دادرسی، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و نهایتاً ظرف سه روز پس از جلسه اول، دادخواست جلب ثالث را تقدیم کند. (مادّه ۱۳۵ ق.آ.د.م) در این خصوص توجه داشته باشید که:

- این مهلت، آخرین موعد تقدیم دادخواست جلب ثالث است. قبل از آن نیز می توان دادخواست جلب ثالث داد. برای مثال، متقاضی جلب ثالث می تواند قبل از تشکیل جلسه اول دادرسی، دادخواست جلب ثالث را تقدیم کند.
- دادگاه تجدیدنظر، مکلف به تشکیل جلسه دادرسی نیست؛ بنابراین بهتر است که شخصی که قصد جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر را دارد، برای تقدیم دادخواست جلب ثالث خود، منتظر جلسه اول دادرسی مرحله تجدیدنظر نماند.

۲. **در مرحله واخواهی:** بستگی به آن دارد که واخواه اقدام به جلب ثالث کند یا واخوانده؛

بدین نحو که: (مادّه ۱۳۶ ق.آ.د.م)

▪ **جلب ثالث از جانب واخواه:** واخواه باید دادخواست جلب ثالث و دادخواست واخواهی را باهم و به صورت توأمان، تقدیم دادگاه کند.

▪ **جلب ثالث از جانب واخوانده:** در این حالت مهلت واخوانده برای جلب ثالث، مانند همان است که در مرحله بدوی و تجدیدنظر بیان شد؛ یعنی واخوانده باید نهایتاً تا پایان جلسه اول دادرسی، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و نهایتاً ظرف سه روز پس از جلسه اول، دادخواست جلب ثالث را تقدیم کند.

۳. **جلب ثالث در دیوان عدالت اداری:** خواهان می تواند ضمن دادخواست اصلی یا نهایتاً ظرف سی روز بعد از تقدیم دادخواست اصلی، جلب ثالث نماید و خوانده نیز می تواند همراه با پاسخ به دعوای اصلی، جلب ثالث نماید. (مادّه ۵۴ ق.ت.آ.د.د.ع.ا)

◀ **سؤال:** اگر متقاضی جلب ثالث، جلب ثالث را بعد از مهلت مقرّر (بعد از جلسه اول دادرسی) طرح کند، تکلیف چیست؟ آیا دعوای او رد می شود؟

● **جواب:** خیر؛ در این صورت دعوای مزبور به عنوان یک دعوای مستقل و نه به عنوان یک دعوای طاری رسیدگی می شود. البته اگر این دعوای جلب ثالث، با دعوای اصلی مرتبط باشد، وفق مادّه ۱۰۳ ق.آ.د.م دادگاه به نحو توأمان به آن دو رسیدگی خواهد کرد.

● **رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و جلب ثالث:** در خصوص رسیدگی توأمان به این دو دعوای باید توجه داشت که:

۱. در صورتی این دو دعوای، مورد رسیدگی توأمان قرار می گیرد که حداقل یکی از این دو شرط نسبت به آنها موجود باشد: (مادّه ۱۷ ق.آ.د.م)

- هر دو دعوای، ناشی از یک منشأ باشد؛ یعنی سبب هر دو یک عمل حقوقی یا یک واقعه حقوقی باشد؛

- بین آنها ارتباط کامل باشد؛ یعنی اتخاذ تصمیم در یکی در دیگری مؤثر باشد.

۲. اگر هیچ یک از دو شرط فوق، برقرار نباشد، دادگاه دو دعوای را از هم جدا کرده و در صورت صلاحیت، جداگانه به آنها رسیدگی می کند.

۳. اگر دادگاه احراز کند که جلب ثالث به منظور تبانی یا تأخیر در رسیدگی است، می تواند آن را

از دعوای اصلی جدا کرده و در صورت صلاحیت، به صورت جداگانه رسیدگی کند.^۱ (ماده ۱۳۹ ق.آ.د.م)

۴. پس از وصول دادخواست جلب ثالث، دادخواست جلب ثالث و ضامین آن به سایر اصحاب دعوای اصلی و نیز به مجلوب ثالث ابلاغ می‌شود تا در جلسه دادرسی دعوای اصلی، دعوای جلب ثالث نیز مورد رسیدگی قرار گیرد. (ماده ۱۳۷ ق.آ.د.م)

۵. پس از ابلاغ وقت دادرسی دعوای اصلی به مجلوب ثالث و سایر اصحاب دعوای اصلی و ابلاغ دادخواست جلب ثالث به مجلوب ثالث و اصحاب دعوی؛ اگر از زمان ابلاغ دادخواست جلب ثالث به مجلوب ثالث و سایر اصحاب دعوای اصلی تا جلسه دادرسی، مهلت کافی، یعنی حداقل پنج روز نباشد و اصحاب دعوای اصلی و مجلوب ثالث نیز به دلیل عدم رعایت حداقل فاصله زمانی، حاضر به دفاع نباشند، وقت دادرسی مجدد تعیین و ابلاغ می‌شود. (ماده ۱۳۸ ق.آ.د.م)

◀ **سؤال:** شخصی نسبت به دعوایی اقدام به جلب ثالث می‌کند، اما دادگاه نسبت به دعوای اصلی، قراری مانند قرار ردّ دعوی صادر می‌کند. در این حالت تکلیف جلب ثالث چیست؟

● **جواب:** این دعوی به عنوان یک دعوای مستقل رسیدگی می‌شود؛ مگر آنکه این جلب ثالث صرفاً به منظور تقویت موضع جلب‌کننده باشد و قابلیت رسیدگی جداگانه را نداشته باشد که در این صورت نسبت به آن نیز قرار ردّ دعوی صادر می‌شود.

● **ردّ دعوای جلب ثالث در مرحله بدوی:** سؤال آن است که اگر در مرحله بدوی، دعوای جلب ثالث با یکی از قرارهای قاطع دعوی، مانند قرار ردّ دعوی یا ردّ دادخواست مواجه شود، تکلیف چیست؟ در این حالت شخصی که متقاضی جلب ثالث بوده، می‌تواند اقدامات زیر را صورت دهد:

۱. **جلب ثالث مجدد در همان مرحله بدوی:** شخص متقاضی جلب ثالث می‌تواند ضمن برطرف کردن ایرادی که موجب صدور قرار مزبور شده، مجدداً دادخواست جلب ثالث را به همان دادگاه بدوی تقدیم کند. البته این فرض در صورتی امکان‌پذیر است که دادخواست مجدد نیز نهایتاً ظرف سه روز از جلسه اول دادرسی تقدیم شود؛ که در عمل چنین اتفاقی به ندرت قابل وقوع است.

۱. توجه داشته باشید که وفق مواد ۱۳۳ و ۱۳۹ ق.آ.د.م اگر چنین شرطی در خصوص دعوای ورود ثالث برقرار باشد، دادگاه باید دعوای ورود ثالث را از دعوای اصلی جدا کند؛ اما اگر چنین شرطی درباره دعوای جلب ثالث وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند آن را از دعوای اصلی جدا کند. البته باید این تفاوت الفاظ را ناشی از تسامح دانست.

۲. اقدام به جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر: یعنی آنکه متقاضی جلب ثالث، در مرحله تجدیدنظر، مجدداً دادخواست جلب ثالث را تقدیم کند.

۳. تجدیدنظرخواهی از قرار صادره: شخص متقاضی جلب ثالث می‌تواند از قرار صادره، همراه با رأی صادره در خصوص اصل دعوی، تجدیدنظرخواهی کند. اگر دادگاه تجدیدنظر، قرار صادره را نقض کند، دعوی جلب ثالث، با دعوی اصلی به صورت یک جا و توأمان رسیدگی خواهد شد. (ماده ۱۴۰ ق.آ.د.م) توجه داشته باشید که قرار ردّ دعوی جلب ثالث، برخلاف قرار ردّ دعوی ورود ثالث، به طور مستقل قابل تجدیدنظر نیست. به عبارت دیگر، قابلیت تجدیدنظرخواهی از قرار صادره در دعوی جلب ثالث، تابع قابلیت تجدیدنظرخواهی از دعوی اصلی است.

◀ سؤال: اگر در مرحله تجدیدنظر، یک دعوی طاری (ورود ثالث یا جلب ثالث) صورت گیرد و خواهان این دعوی طاری، نسبت به هزینه دادرسی ادّعی اعسار کند؛ رسیدگی به این ادّعی اعسار با کدام دادگاه است؟

● جواب: طبق ماده ۲۴ ق.آ.د.م که رسیدگی به ادّعی اعسار را با دادگاهی می‌داند که ابتدائاً به پرونده رسیدگی کرده، ابتدا باید این ادّعی اعسار در دادگاه بدوی رسیدگی شود؛ هرچند این ادّعی اعسار ناظر به دعوی جلب ثالث یا ورود ثالثی است که در مرحله تجدیدنظر طرح شده است.

● دعوی متقابل (دعوی تقابل): به معنای طرح دعوی از جانب خواننده دعوی اصلی علیه خواهان است. (ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م) برای مثال، در دعوی که به خواسته مطالبه ثمن یک قرارداد طرح شده، خواننده دعوی اصلی، دعوی متقابلی به خواسته اعلام بطلان همان قرارداد طرح کند. این دعوی متقابل، ضمن آنکه نوعی دفاع است، نوعی تهاجم هم می‌باشد. از این رو به آن «دفاع تهاجمی»^۱ گفته‌اند.

● تشریفات دعوی متقابل

۱. این دعوی نیز مانند سایر دعاوی طاری، نیازمند تقدیم دادخواست است. (ماده ۱۴۲ ق.آ.د.م)
 ۲. ممکن است دعوی متقابل علیه همه خواهان‌های اصلی یا فقط علیه برخی از خواهان‌های اصلی طرح شود. (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م)

۳. دادخواست باید به تعداد طرف مقابل (خواهان‌ها) به علاوه یک نسخه باشد.

۱. کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، ص ۲۴۰.

۴. تقدیم این دادخواست فقط تا پایان جلسهٔ اول دادرسی ممکن است. (مادهٔ ۱۴۳ ق.آ.د.م)

۵. خواهان دعوای اصلی، خواندهٔ دعوای متقابل و خواندهٔ دعوای اصلی، خواهان دعوای متقابل است؛ بنابراین هر یک از ایشان در خصوص دعوای متقابل از حقوق و تکالیف خواهان یا خوانده برخوردار است. برای مثال، خواهان اصلی (خواندهٔ متقابل) می‌تواند نسبت به بهای خواستهٔ دعوای متقابل اعتراض کند و نسبت به دعوای متقابل ایرادات شکلی بیان کند.

۶. مجلوب ثالث می‌تواند دعوای متقابل طرح کند. البته بعضی از حقوق‌دانان^۱ دعوای متقابل را از جانب مجلوب ثالثی که صرفاً برای تقویت موضع یکی از طرفین جلب شده و ادعای مستقّلی علیه او مطرح نیست، نپذیرفته‌اند.

۷. خواندهٔ دعوای ورود ثالث می‌تواند در برابر وارد ثالث، دعوای متقابل طرح کند. البته بعضی از حقوق‌دانان^۲ طرح دعوای متقابل را علیه وارد ثالث تبعی نپذیرفته‌اند.

۸. در برابر دعوای اضافی نیز می‌توان دعوای متقابل طرح کرد.

۹. بعضی از حقوق‌دانان^۳ طرح دعوای متقابل را در برابر دعوای متقابل نپذیرفته‌اند؛ اما با توجه به آنکه در قانون منعی برای طرح دعوای متقابل در برابر دعوای متقابل مقرر نشده، برخی دیگر^۴ چنین دعوایی را پذیرفته‌اند.

◀ سؤال: اگر متقاضی دعوای متقابل، دعوای خود را بعد از مهلت مقرر (بعد از جلسهٔ اول دادرسی) طرح کند، تکلیف چیست؟ آیا دعوای او رد می‌شود؟

● جواب: خیر؛ در این صورت دعوای مزبور به‌عنوان یک دعوای مستقل و نه به‌عنوان یک دعوای طاری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. البته اگر این دعوای متقابل، با دعوای اصلی مرتبط باشد، وفق مادهٔ ۱۰۳ ق.آ.د.م دادگاه به‌نحو توأمان به آن دو رسیدگی خواهد کرد.

● مراحل امکان طرح دعوای متقابل

۱. طرح دعوای متقابل در مرحلهٔ بدوی امکان‌پذیر است.

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دورهٔ پیشرفته)، ج ۱، مطلب ش ۸۴۷.

۲. همان، مطلب ش ۸۴۸.

۳. همان، مطلب ش ۸۴۹.

۴. کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، ص ۲۴۳.

۲. در مرحله تجدیدنظر و فرجام، طرح دعوای متقابل در قانون پیش‌بینی نشده است و امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین طرح دعوای متقابل فقط مختص خوانده بدوی، علیه خواهان بدوی است. و خواننده، تجدیدنظر خوانده و فرجام‌خوانده نمی‌توانند اقدام به طرح دعوای متقابل کنند.

۳. در خصوص طرح دعوای متقابل، در مرحله واخواهی، از جانب خوانده بدوی (واخواه) علیه خواهان بدوی (واخوانده)، قانون ساکت است. بعضی از حقوق‌دانان، از این سکوت نتیجه گرفته‌اند که در مرحله واخواهی، دعوای متقابل امکان‌پذیر است؛ زیرا مرحله واخواهی امتداد مرحله بدوی است و فرصتی است برای خوانده غایب تا از حقوق خود دفاع کند؛ بنابراین باید او را از تمام حقوق مرحله بدوی، مانند طرح دعوای متقابل برخوردار دانست.^۱ برخی دیگر از حقوق‌دانان^۲ دعوای متقابل را در مرحله واخواهی نپذیرفته‌اند.

● **مقطع امکان دعوای متقابل:** سؤال آن است دعوای متقابل تا چه مقطعی از دادرسی امکان‌پذیر است. در این خصوص باید توجه داشت که طرح این دعوی، فقط تا پایان جلسه اول دادرسی، ممکن است. (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م)

◀ **سؤال:** اگر دادخواست دعوای متقابل در جلسه اول دادرسی تقدیم شود، ولی ناقص باشد، آیا این دعوای متقابل، قابل پذیرش است یا خیر؟

● **جواب:** بله؛ دعوای متقابل باید در جلسه اول طرح شود. ملاک برای طرح دعوی، تاریخ تقدیم دادخواست است؛ حتی اگر ناقص باشد؛ بنابراین این دعوای متقابل پذیرفته است و خطاب به دادخواست‌دهنده متقابل، اخطار رفع نقص صادر می‌شود.

● **موارد عدم نیاز به دادخواست متقابل (مواد ۱۸ و ۱۴۲ ق.آ.د.م)**

۱. دفاعیاتی که در زمره دفاعیات ماهوی (دفاع به‌معنای اخص) است، نیاز به طرح در قالب دعوای متقابل ندارد.^۳ دفاعیاتی باید در قالب دعوای متقابل طرح شود که خوانده، علاوه بر دفاع در

۱. در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به‌شماره ۷/۹۹۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۰۶ بیان شده است که: «در رسیدگی به دعوای منتهی به صدور حکم غیابی، فرض بر این است که خوانده مطلع از جریان دادرسی نبوده است؛ بنابراین تقدیم دادخواست واخواهی به‌منزله اولین جلسه خواهد بود و در نتیجه رسیدگی به دادخواست تقابل در این مرحله بلااشکال است.»

۲. شمس، عبدالله، *بین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۱، مطلب ش ۸۵۱ و مهاجری، علی، *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*، ج ۲، مطلب ش ۶۴۸.

۳. در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به‌شماره ۷/۳۱۵۳ مورخ ۱۳۷۹/۰۴/۰۵ آمده است که: «دعوای‌ای که خوانده در مقام دفاع از دعوای اصلی اظهار می‌دارد، مانند اینکه خوانده تمکین را موقوف به دریافت مهریه نماید یا زوجه از حق حبس استفاده نماید، دعوای متقابل محسوب نمی‌شود.»

دعوی اصلی، به دنبال الزام طرف مقابل به موضوعی یا اثبات واقعه‌ای باشد؛ به نحوی که آثار اثبات آن واقعه، صرفاً محدود به دعوی فعلی نباشد و در امور و شئون دیگری نیز مؤثر باشد. برای مثال، اگر زنی علیه شوهرش دادخواست مطالبه نفقه دهد، مرد می‌تواند با اثبات اینکه زن مرتکب نشوز شده و زندگی مشترک را ترک کرده، یعنی با اثبات عدم تمکین زن، از تأدیه نفقه معاف شود. اثبات عدم تمکین در این حالت صرفاً یک دفاع ماهوی است و نیاز به تقدیم دادخواست متقابل ندارد؛ اما اگر مرد بخواهد علاوه بر اثبات عدم تمکین زن و معافیت از تأدیه نفقه، زن را مکلف به رجوع به منزل خود کند، باید دعوی الزام به تمکین طرح کند.

۲. دفاعیاتی که دلالت بر انحلال یا بطلان قرارداد مستند ادعای خواهان دارد، نیاز به طرح در قالب دعوی متقابل ندارد. به عبارت دیگر، اگر خواهان بر مبنای یک قرارداد، دعوی طرح کند و خوانده بخواهد انحلال یا بطلان آن قرارداد را برای دادگاه ثابت کند تا از انجام تعهدات مندرج در آن قرارداد، معاف شود، نیاز به طرح دعوی متقابل نیست.

۳. اگر خوانده بخواهد در برابر ادعای خواهان، دفاعیاتی بیان کند که دلالت بر سقوط تعهد دارند، مانند ایفای تعهد، ابراء یا تهاتر، نیاز به طرح دعوی متقابل نیست. کافی است دفاعیات خود را صرفاً در قالب دفاع ماهوی ابراز کند.

۴. تهاتر نیاز به طرح در قالب دعوی متقابل ندارد. البته تهاتر در صورتی که مسلم و قطعی یا مستند به اسناد رسمی یا مورد قبول طرف مقابل است، نیاز به طرح در قالب دعوی متقابل ندارد. در غیر این صورت دعوی تهاتر باید در قالب دعوی متقابل طرح شود. به عبارت دیگر، تهاتری که صرفاً یک ادعای اثبات نشده بوده و در نتیجه نیازمند رسیدگی قضائی باشد، باید در قالب دعوی متقابل طرح شود.^۱

● **رسیدگی توأمان به دعاوی اصلی و متقابل:** در خصوص رسیدگی توأمان به این دو دعوی، باید توجه داشت که:

۱. در صورتی این دو دعوی مورد رسیدگی توأمان قرار می‌گیرد که حداقل یکی از این دو شرط، نسبت به آنها موجود باشد: (ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م)

- هر دو دعوی ناشی از یک منشأ باشد؛ یعنی سبب هردو یک عمل حقوقی یا واقعه حقوقی باشد؛

۱. در تأیید این نظر ر.ک: شمس، عبدالله، / بین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۱، مطلب ش ۸۵۲.

- بین آنها ارتباط کامل باشد؛ یعنی اتخاذ تصمیم در یکی در دیگری مؤثر باشد.

۲. اگر هیچ یک از دو شرط فوق، موجود نباشد، دادگاه دو دعوی را از هم جدا کرده و در صورت صلاحیت، جداگانه به آنها رسیدگی می کند.

۳. پس از وصول دادخواست متقابل، دادخواست مزبور و ضمائش آن به خواننده دعوی متقابل ابلاغ می شود تا در جلسه دادرسی دعوی اصلی، دعوی متقابل نیز مورد رسیدگی قرار گیرد.

۴. اگر از زمان ابلاغ دادخواست متقابل به خواننده دعوی متقابل (خواهان اصلی) تا جلسه دادرسی، مهلت کافی، یعنی حداقل پنج روز، نباشد و خواننده دعوی متقابل نیز به دلیل عدم رعایت حداقل فاصله زمانی، حاضر به دفاع نباشد، وقت دادرسی دیگری تعیین می شود. (ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م)

● **دعوی اضافی:** دعوی مجدد خواهان علیه خوانده است که دارای اوصاف زیر است:

۱. این دعوی، یک دعوی طاری است؛ بنابراین باید شروط دعوی طاری در آن برقرار باشد تا با دعوی اصلی به نحو توأمان رسیدگی شود.

۲. دعوی اضافی، به موجب دادخواست طرح می شود.

۳. دعوی اضافی، فقط در مرحله بدوی قابل طرح است.

۴. دعوی اضافی باید تا پایان جلسه اول دادرسی طرح شود. (ملاک مواد ۹۸، ۱۳۵ و ۱۴۳ ق.آ.د.م)

● **تفاوت دعوی اضافی و افزایش خواسته**

۱. دعوی اضافی، ناظر به حالتی است که خواهان می خواهد عنوان جدیدی به خواسته های خود بیفزاید. برای مثال، خواهان دادخواست تأیید فسخ قرارداد تقدیم کرده و قصد دارد که دادخواست استرداد ثمن پرداختی ناشی از آن قرارداد را نیز تقدیم کند. چون این عنوان، عنوان جدیدی است، هر چند که با دعوی قبل مربوط است؛ باید در قالب دادخواست جدیدی، به نام «دعوی اضافی» طرح شود؛ اما افزایش خواسته، ناظر به حالتی است که خواهان می خواهد بر حجم همان خواسته ای که داشته، بیفزاید؛ مانند آنکه میزان خواسته دعوی خود را از هشتاد سکه به صد سکه افزایش دهد.

۲. دعوی اضافی، نیاز به تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات دارد؛ اما افزایش خواسته، صرفاً به موجب یک درخواست ساده کتبی یا شفاهی به عمل می آید.

◀ سؤال: اگر یک دعوای طاری، مانند دعوای متقابل طرح شود و دعوای اصلی به دلیلی، مانند استرداد دعوی یا دادخواست، زائل شود؛ تکلیف دعوای طاری چیست؟

● جواب: دعوای طاری به عنوان یک دعوای مستقل ادامه می یابد و جداگانه رسیدگی می شود.

◀ سؤال: اگر یک دعوای طاری، مانند دعوای متقابل طرح شود و رسیدگی به دعوای اصلی متوقف شود، آیا رسیدگی به دعوای طاری نیز متوقف می شود؟

● جواب: صرف توقیف دعوای اصلی، موجب توقیف رسیدگی به دعوای طاری نیست؛ مگر آنکه سببی که موجب توقیف دعوای اصلی شده، در خصوص دعوای طاری نیز جاری باشد. برای مثال، فوت خواهان دعوای اصلی موجب توقیف دعوای اصلی است. با توجه به آنکه او خوانده دعوای متقابل نیز هست، رسیدگی به دعوای متقابل نیز متوقف می شود.